

تقریباً دو سال دیگر دولت اوپاما
تمام می‌شود. احتمالاً کاخ
سفید دست جمهوری
خواهان می‌افتد. بعضی
می‌گویند این اتفاق خوبی
است و برخی دیگر نظر عکس
دارند. ارزیابی شما چیست؟

این یک احتمالی است برای
تقریباً دو سال
دیگر. الان
خیلی روی آن

سفر نوسازیتم! و
متمرکز بشویم روی این که
با همین دولت اوپاما که
به دلایل مختلف علاقه مند
هست و آمادگی دارد که با
ایران به توافق برسد ظرف
شش هفت ماه آینده تا
قبل از این که وارد انتخابات
کنگره شویم. این هم به
نوعی تعیین کننده است. تا
قبل از آن دولت فعلی علاقه
و آمادگی دارد.

ما از این فرصت اگر بشود
استفاده کردیم، اگر نشود
باید ببینیم که چه کار باید
کرد. ولی من معتقدم که
موقعیت منطقه‌ای ایران
به قدری قدرتمند شده که
هر دولتی در آمریکا، چه
دموکرات‌ها و چه جمهوری
خواهان و هر قدرتی در
اروپا مجبور است با ایران

کار کند. خاورمیانه را ملاحظه نکنید.
سرنوشت دیگرانی که آینده مبهمی دارند
را مقایسه نکنید با موقعیت، نفوذ و ثبات
ایران و مشارکت ۷۵ درصدی مردم ایران.
اینها نشان می‌دهد که ایران در آینده
خاورمیانه یک قدرت بلامنازع خواهد بود و
آمریکایی‌ها، چه دموکرات‌ها چه جمهوری
خواهان چاره‌ای ندارند جز این که با این
قدرت وارد تعامل شوند و قدرت تقابل
نخواهند داشت.

و اگر آن‌ها فشار آورند،
شما مذاکرات را
متوقف نکنید.
ارزیابی شما از
رفتار اروپایی‌ها در
چند ماه اخیر به چه
شکل است؟

صحنه روابط بین‌الملل
و سیاست

خارجی،
مجموعه‌ای است
از همین ارتباطات
پیچیده که همه با هم
داریم. همان گونه
که ما سعی می‌کنیم
که برای منافع
سیاست خارجی
مان بر دیگران تاثیر
بگذاریم. دیگران
هم این کار را بلدند.
این که از طریق
ارتباطات اقتصادی
سعی می‌کنند جهت
بدهند به رفتار
دیگران. کاری هست
که ما باید بکنیم،
کشورهای دیگر هم
می‌کنند، خودمان
باید حواسمان جمع
باشد. این که همیشه

بترسیم که اگر فلان ارتباط ایجاد کنیم سرمان
کلاه می‌رود، اگر با فلان کشور کار بکنیم،
ممکن است فلان بشود، در وهله اول بی
اعتمادی به خودمان است. باید به توانایی
خودمان اعتماد کنیم. البته مراقب هم باشیم.
بدانیم که این عرصه، عرصه سختی است.
عرصه کلاه‌گذاری سر همدیگر است! هر
کسی در روابط بین‌الملل سعی می‌کند منافع
خودش را تامین کند و در تامین منافع خودش
اخلاقیات جایی ندارد.

می‌ماند. با آمریکا و اروپا به نتیجه برسیم،
چین و روسیه قبول نداشته باشند، تحریم‌های
شورای امنیت می‌ماند. بنابراین برای این که
به یک راه حل جامع برسیم اتفاقاً وحدت نظر
بین ۵+۱ خیلی مهم است. ولی این که همزمان
ارتباطات ما با هر یک از اعضای ۵+۱ وجود
داشته باشد حتماً منافع خودش را دارد. کما این
که ما با چین و روسیه، مشورت‌های نزدیک
خودمان را همیشه داریم. در حاشیه مذاکرات
۵+۱ با هر ۶ کشور از جمله با آمریکایی‌ها
دوجانبه گفت و گو می‌کنیم. این گفت و گوها
را هم در جهت رسیدن به تفاهم و توافق، مهم
می‌دانیم. به همین شکل و به همین مناسبت
ارتباط با بقیه کشورهای اروپایی را هم مهم
می‌دانیم. چون بلاخره نظرات آنهاست که
جمع بندی می‌شود و توسط خانم اشتون
هماهنگ می‌شود. کشورهای اروپایی این
گونه نیست که بتوانند بدون توجه به نظرات
دیگران هرکاری خواستند بکنند. بنابراین
کار با تک تک کشورهای اروپایی، به نوعی
لابی کردن، مطالب را اظهار داشتن و آن‌ها
را آگاه کردن از مواضع خود با رویکردها و
ادبیات جدید، باعث می‌شود که وقتی اروپا
می‌خواهد به موضع واحد برسد، اینها در آن
تردید ایجاد می‌کنند. این اعتقاد بنده است که
اتفاقاً با یک اروپای واحد حداقل در موضوع
هسته‌ای بهتر می‌توانیم کار کنیم ولی تاکید
می‌کنم که کار با تک تک کشورهای اروپایی
غیر از ۵+۱ را نه تنها مفید بلکه لازم می‌دانم.

ارزیابی شما نسبت به تغییر رفتار
اروپایی‌ها چیست؟ ما با یکی از نمایندگان
پارلمان که صحبت می‌کردیم خیلی
صادقانه جواب داد. ما از او پرسیدیم
که شرکت‌های اروپایی وقتی به ایران
می‌آیند و ظرفیت‌های بازار ایران را
می‌بینند، وقتی برمی‌گردند به کشور
خود، لابی ما می‌شوند و در کشور خود
چانه زنی می‌کنند. نظر این نماینده این
بود که اتفاقاً در این شرکت‌ها این است
که آمده اند ایران و دارند با سیاست
گذاران جمهوری اسلامی چانه زنی
می‌کنند که شما از این مسیری که دارید
می‌روید، منحرف نشوید و برگردید